



مهدویت و جهانی شدن

رضاحمیدی

عضو حلقه علمی تاریخ

دانش آموخته دوره عالی تاریخ اسلام

۲۱۱

چکیده: جهانی شدن (گلوبالیزیشن) در دو تعریف مغایر و متضاد مطرح است، یکی جهانی شدن غربی که عبارت است از: جهانی کردن آمریت دول غربی (آمریکا و منافع سرمایه‌داری حاکم بر آمریکا، صهیونیسم و انگلیس). این جهانی شدن، تمام فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های مقاومت را بلعیده و هضم می‌کند. گلوبالیزیشن با معیارهای سرمایه‌داری یهود، مورد قبول اسلام نمی‌باشد؛ چرا که ره‌آورد آن فقر و گرسنگی، تک‌قطبی شدن جهان و... می‌باشد. دیگری جهانی شدن اسلامی است که معیارهای آن، عدم وجود گرسنه‌ای در تمام پهنه گیتی است و بر این باور است که باید عدالت، امنیت و... در سرتاسر جهان گسترده شود. در این جهانی شدن مرز جغرافیایی به رسمیت شناخته نشده و همه عوامل جدایی انسان‌ها از میان برداشته می‌شود؛ از این رو، ویژگی جامعه اسلامی عصر مهدوی بر خلاف نگرش عصر جدید تأکید بر فضیلت و سعادت می‌باشد. درحالی که عصر جدید صرفاً بر آزادی انسان مبتنی بوده و دغدغه فضیلت و سعادت بشر را ندارد.

کلیدواژه: جهانی شدن، جهانی سازی، گلوبالیزیشن، اسلام، غرب، مهدویت، ادیان.

مهدویت و جهانی شدن دو مقوله‌ای هستند که جزء دغدغه‌های روزگار ما شده‌اند. اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در معنای عام خود، باوری دینی و فراگیر در میان انسان‌ها بوده است. در ادیان مختلف، چنین اعتقادی به گونه‌ای ملموس و بارز تجلی یافته است. منجی با تعابیر مختلفی چون «کالکی» در آیین هندو، «مسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و «مهدی» در فرهنگ اسلامی یاد شده است.^۱

تعابیر فوق به رغم تفاوت‌های خاص خود، در تأکید بر ظهور یک منجی، جهت گشودن راه جدیدی فراروی انسان‌ها در جهت نیل به سعادت ابدی مشترک هستند؛ از این رو، مهدویت و منجی گرایی دغدغه فکری تمام انسان‌ها در ادوار مختلف تاریخ بوده است. در روزگار ما نیز که آدمی دچار ظلم و بی‌عدالتی در عرصه جهانی است، این مقوله از اهمیت خاص خود برخوردار است. از سوی دیگر، در روزگار خویش شاهد پدیده دیگری با عنوان «جهانی شدن» هستیم. جهانی شدن با رشد تکنولوژی ارتباطات همراه بوده و موجب فشردگی زمان و مکان، هم‌جواری مجازی، کوچک شدن جهان و در نهایت، پیدایش دهکده جهانی گشته است، حتی چنین وضعیتی، برخی را بر آن داشته است که از «پایان تاریخ» سخن گویند.^۲

با وجود این، به رغم تعابیر و تفاسیر مختلف از این پدیده، اهمیت چنین رویدادی از دو جهت مطرح می‌باشد:

الف) خواسته و ناخواسته تحت تأثیر چنین پدیده‌هایی در قرن ۲۱ قرار گرفته‌ایم؛ از این رو، تنظیم زندگی خویش با وضعیت موجود، امری ضروری است.

ب) نسبت ارتباط آن با اعتقاد دیرین ما، نسبت به مهدویت و ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. در واقع، باور ما به شکل‌گیری حکومتی جهانی توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین پرسشی را مطرح می‌سازد که چه ارتباط و نسبتی بین مهدویت و حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پدیده جهانی



۱. رونالد، رابرتسون، جهانی شدن، ص ۴۰.

۲. فرانسیس، فوکویاما، فرهنگ در عصر جهانی شدن، ص ۲۱۵.

شدن وجود دارد؟

وجه اهمیت پرداختن به چنین پرسشی، آن است که به رغم اشتراک ادیان مختلف در اعتقاد به ظهور منجی، تحولات روزگار، ما وضعیت متفاوتی را به وجود آورده است. برای انسان ما قبل عصر تکنولوژی ارتباطات، تحقق حکومتی جهانی با تصوراتی توأم بوده است که به دلیل گستره عظیم جغرافیایی جهان برای انسان آن روز، نحوه تحقق چنین حکومتی به رغم باور اصیل وی به تحقق آن، در بوتۀ اعجاز و شگفتی قرار می گرفت. تعبیر مختلفی که در روایات و اخبار در ویژگی های عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است (که صدای آن حضرت را همه جهانیان در هنگام سخن گفتن می شنوند یا سیمای مبارک وی را می بینند) و تعبیر دیگر، همگی برای انسان های روزگار پیشین امری شگفت و معجزه آسا می نمود، در حالی که پیشرفت های تکنولوژی ارتباطی، فهم چنین وضعیتی را به طرق عادی میسر ساخته است. در پرتو چنین تحولاتی است که فهم ما نسبت به برخی آموزه های دینی روشن تر گشته و با بصیرت بیشتری می توانیم آموزه های دینی و جهانی خود را درک کنیم. و پدیده جهانی شدن نیز شاید بتواند چنین زمینه ای را بیشتر فراهم سازد. اما به راستی جهانی شدن به چه معناست؟

جهانی شدن (Globalization)

جهانی شدن از جمله مفاهیمی است که در سه دهه اخیر تداول یافته است و علاوه بر عرصه مراکز علمی _ تحقیقاتی، اذهان بسیاری از جهانیان را به خود مشغول داشته است. سیر تحول تکنولوژی در عرصه ارتباطات و پیدایش انقلاب اطلاعات در نیمه دوم قرن بیستم، زمینه گذر از محدودیت های جغرافیایی _ ملی را فراهم ساخته و این امر موجب کوچک تر شدن جهان و تبدیل عرصه جهانی به یک دهکده گردیده که ساکنان آن می توانند در ارتباط مستقیم با یکدیگر باشند.

مارشال مک لوهان در دهه ۱۹۶۵ با طرح ایده «دهکده جهانی» پیش گام طرح مباحث جهانی شدن گردید.^۱ اصطلاح «جهانی شدن» در طول سه دهه گذشته، همزمان

۱. واترز، مالکوم، جهانی شدن، ص ۱۰.



با طرح آن در مجامع علمی، تعاریف مختلفی به خود گرفته است. در زبان فارسی نیز به تبع چنین اختلافاتی ذیل واژه لاتین آن، معادل‌های مختلفی برای آن پیشنهاد شده است؛ مفاهیمی چون «جهانی شدن»، «جهانی سازی» و «جهانی گرایی».

هرچند در سنت اسلامی ما تعبیر جهانی شدن به کار نرفته است، تعبیری چون «حکومت جهانی اسلام»، «حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و... مفاهیمی کاملاً مأنوس می‌باشند. بدون تردید، نگرش جهانی از دیرباز برای بشر قابل فهم بوده و به گونه‌های مختلف در صدد تعلق یافتن به عرصه‌ای جهانی بوده است. نمودهای چنین گرایشی را می‌توان در کشور گشایی‌های امپراتوری‌ها، سلاطین، مکاتب فکری و ادیان مشاهده نمود.

برخی دیگر نظیر رونالد رابرتسون جهانی شدن را مفهومی می‌دانند که هم به تراکم جهان و نیز به تشدید آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل و هم به وابستگی متقابل و واقعی جهان و هم آگاهی از یکپارچگی جهان در قرن بیستم می‌انجامد و برای آن سیر تطوری ترسیم نموده‌اند که عبارتند از:

الف) مرحله تکوین و شکل‌گیری اولیه (از اوایل قرن ۱۵ تا قرن ۱۸ در اروپا).

ب) آغاز جهانی شدن (از نیمه دوم قرن ۱۸ تا دهه ۱۸۷۰).

ج) مرحله خیزش (از دهه ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰).

د) مرحله مبارزه برای هژمونی (از نیمه دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰).

ه) ادامه دهه ۱۹۶۰ تا پایان قرن بیستم.^۱

نگرش‌های مختلفی در باب تبیین ماهیت و چیستی جهانی شدن وجود دارد. برخی از منظر طرفداری و حمایت سخن گفته‌اند و برخی دیگر نیز به انتقاد از آن پرداخته‌اند. کسانی که نسبت به جهانی سازی با دید مثبت نگاه می‌کنند و آن را نتیجه پیشرفت و انقلاب در تکنولوژی ارتباطات می‌دانند، جهانی سازی را برای جامعه انسانی مفید می‌دانند؛ زیرا معتقدند که هدف و انگیزه جهانی سازی، رساندن به برابری اقتصادی و استفاده مساوی از مواهب خدادادی جهان برای همه و از بین بردن تمامی مظاهر ظلم و تبعیض در سطح جامعه‌های انسانی است؛ همان‌گونه که هدف تمامی انبیای الهی در

۱. رونالد، رابرتسون، جهانی شدن، ص ۱۳۱.





طول تاریخ تشکیل یک امت واحد الهی در زیر سایه حکومت الهی برای تحقق عدالت اجتماعی و از میان برداشتن کلیه مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و ... بوده است.

شهید مطهری در فرازی چنین ابراز می‌دارند: « بنا بر نظریه اصالت فطرت باید گفت جامعه و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه تکامل یافته است که همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به سعادت واقعی خواهد رسید. از نظر قرآن، این مطلب مسلم است که حکومت نهایی، حکومت حق و نابود شدن یکسره باطل است و عاقبت از آن اهل تقوا و متقیان است.^۲ به همین دلیل خداوند از طریق وحی بر انبیا، مخاطبان را ناس خطاب می‌فرماید.

کسانی که با این دید به جامعه جهانی و جهانی شدن می‌نگرند و می‌گویند، انسان ذاتاً عدالت‌خواه است و از نابرابری‌ها و سلطه‌طلبی‌ها و بلوک‌بندی‌های امروز به ستوه آمده، به دنبال راه چاره و حل این مشکل می‌گردند و راه چاره را ایجاد یک مدیریت واحد بر کل جهان می‌دانند تا بتوانند از این طریق به تبعیض‌ها و سلطه‌طلبی‌ها خاتمه دهند.

۲۱۵

در مقابل نگرش گروه مثبت‌گرا، کسانی قرار دارند که به جهانی سازی با دیدی منفی نظر می‌کنند؛ زیرا معتقدند جهانی سازی، یعنی جهانی شدنی که به دنبال استیلای یک قاره و قوم بر سراسر جهان است که در پوشش طرح تئوری جهانی سازی از سلطه و برتری و قیمومیت خود بر کل جهان سخن می‌رانند و انگیزه آن‌ها سودجویانه است که جز به خود و قوم خود به کسی نمی‌اندیشند.

ویژگی‌های جهانی شدن

مشکل اساسی نگرش‌های مختلف در جهانی شدن که توسط اندیشمندان غربی و گاه محققان داخلی مطرح می‌شود، آن است که نقطه عزیمت آن‌ها ناخواسته ذهنیت غربی دارد. مراد از ذهنیت غربی نیز تعبیر عامی است که ایده‌های مدرنیسم و پسامدرن را در برمی‌گیرد و نیز چنین ذهنیتی شامل اندیشه‌های لیبرالیستی غربی و همچنین سوسیالیستی - مارکسیستی، به نحو توأمان می‌گردد. مشکل اساسی که در چنین

۲. مرتضی، مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۴۶.

ذهنیتی، اعم از قرائت‌های مختلف آن وجود دارد، بریده بودن رابطه خدا و انسان است.^۱ قرائت سکولار مدرن عملاً با حاکم ساختن انسان و فهم بشری محصور در عقلانیت ابزاری حکم به مرگ خدا نمود و امر قدسی را از ساحت زندگی بشری جدا ساخت. نگرش پسامدرن نیز با ادامه همان طریق، اما به شیوه‌ای دیگر آن را تداوم بخشید. این نگرش با افتادن در دام شکاکیت مبتنی بر نگرش غربی، عملاً از راه یافتن به یک پاسخ ایجابی بازمانده است. تجلی بحران معنا در غرب و ظهور گرایش‌های انسان بحران‌زده غربی به معنویت، خود، حاکی از چنین معضلی در نگرش غربی است. مفهومی که در این فضا از جهانی شدن، در غرب مطرح می‌شود، به این معناست که غایت جهان، دنیوی شدن و دنیاپرستی است که مبتنی بر یک رویکرد سکولاریستی است و انسان بریده از خدا و سرمست از توانایی‌های علمی، به خود حق می‌دهد هرگونه بخواهد از علم استفاده کند و به جای اینکه پیشرفت‌های علمی در خدمت آسایش و رفاه جامعه باشد، ابزاری بُرنده در کف خواهد بود؛ زیرا با حذف خداوند از جهان، هرکاری مجاز و شدنی است. به نظر می‌رسد می‌توان وضعیت جهانی شدن را با تأکید بر معنای نخست و تلقی آن به عنوان یک فرایند به مؤلفه‌های ذاتی و عرضی آن تجزیه نمود و نشان داد که ذات جهانی شدن، همان خواسته ادیان است که در آن با پیدایش فضای گفتگو زمینه هدایت بشری از طریق یک هادی آسمانی فراهم می‌آید و بدین‌سان، غایت تاریخ و آفرینش انسان محقق می‌گردد.

ویژگی‌های ذاتی جهانی شدن

به نظر می‌رسد جهانی شدن لزوماً پیوند ذاتی با مدرنیته یا دوره جدید غرب ندارد و می‌تواند بر اساس مؤلفه‌های درونی خود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ به تعبیری دیگر، جهانی شدن مبتنی بر مجموعه خصایصی است که به دلیل رشد تکنولوژی ارتباطی، در قرن ۲۱ به صورت نسبتاً کامل‌تری محقق شده است و در مدینه فاضله اسلامی به کمال خود خواهد رسید. این ویژگی ذاتی جهانی شدن دارای مؤلفه‌هایی است؛ از قبیل:

۱. ویل دورانت، تاریخ فلسفه، ج ۲، ص





الف) تحقق ابزارى فضای ارتباطی: ذات اصلی جهانی شدن مستلزم امکان ارتباط بین بشرى است. اجتماع بشرى محصول اعتباراتى است که به وجود و حضور اعتبارکنندگان قائم است... .

ب) آگاهی تشدید یافته: فشردگی زمان و مکان و هم‌جواری و تحقق ابزارى فضای ارتباطی، زمینه آگاهی از وضعیت مشترک انسانى را فراهم می‌آورد. در دوره‌هاى پیشین چنین وضعیت آگاهی کمتر تحقق می‌یافت، در حالی که در وضعیت جهانی شدن، چنین آگاهی به لحاظ کمیت و کیفیت افزایش فزون‌تری یافته است.

ج) جداشدن هویت از مکان و اهمیت‌یابی فضا: انسان‌ها فطرتاً از ویژگی‌هاى مشترکی برخوردار هستند، اما به دلیل تعلق به زمان و مکان خاصی، این ویژگی‌هاى مشترک فطری دچار کم‌رنگی می‌شود و تحت تأثیر محیط و مکان قرار می‌گیرد. در عصر جهانی شدن به جای مکان که پدیده‌ای فیزیکی است، فضا اهمیت می‌یابد. فضا عرصه ارتباط انسان‌هاست و با گستردگی امکانات ارتباطی، فضا نیز بسط می‌یابد. جهانی شدن فرصت جدیدی را فراهم می‌سازد تا انسان‌ها با بریدن از هویت‌هاى مکانی در هویت فضایی جدید ادغام شوند. هویت جدیدی که در صورت ابتدا بر فطرت الهی، زمینه‌هاى اشتراک کاملی فراهم می‌گردد.

د) تحقق جامعه بشرى در جهان: به دلیل تفاوت‌هاى مکانی - زمانى پیوند تمامى انسان‌ها در یک جامعه بشرى جهانی امکان‌پذیر نبوده است. هر چند در ادیان و برخی مکاتب مثل رواقیون ایده شهروندی جامعه جهانی مطرح بوده است، به دلیل عدم وجود شرایط کافی، چنین وضعیتی برای تمامى انسان‌ها میسر نبوده است.

ویژگی‌هاى عارضی جهانی شدن

عناصرى را که فارغ از عناصر چهارگانه فوق در جهانی شدن به وجود می‌آید، می‌توان عناصر عارضی نامید. خصیصه اصلی این عناصر عارضی عبارت است از: قابلیت انفکاک آنها از پدیده جهانی شدن. پدیده‌ای چون پیدایش بحران هویت، گرایش به محلی‌گرایی در مقابل جهانی شدن، غلبه نظریه‌ها و مکاتب فکری در عرصه جهانی شدن و ... همگی از امور عارضی محسوب می‌شود. در نتیجه، مصبوغ شدن وضعیت جهانی شدن به صبغه غربی، لیبرال، سوسیال و مارکسیستی و ... همگی از پدیده‌هاى

عارضی جهانی شدن می‌باشد.

اعتقاد به دوره آخرالزمان (فتوریسیم) و انتظار ظهور منجی موعود، باوری است که در همه ادیان به عنوان یک اصل مسلم و غیرقابل تردید پذیرفته شده است. اعتقاد به ظهور منجی موعود نه تنها در ادیان الهی، بلکه در آیین‌ها نیز وجود دارد؛ لذا ظهور منجی موعود را می‌توان یکی از اصول مشترک تمام ادیان الهی و آیین‌های اقوام گوناگون در طول تاریخ برشمرد.

مهدویت اسلامی و ویژگی‌ها

مهدویت به عنوان مدینه فاضله اسلامی و ظهور منجی موعود تدبیری الهی است تا برای آمال و آرزوهای بشریت در طول قرن‌ها تحقق یابد. تحقق چنین عصری مستلزم آمادگی زمینه‌ها و شرایط لازم است. بدین جهت است که مهدویت اسلامی می‌تواند با پدیده‌ای به نام جهانی شدن ارتباط یابد. بدون تردید، مدینه فاضله مهدوی دارای ویژگی‌هایی است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت است از:

الف) مهدویت و غایت تاریخ: در مورد فلسفه تاریخ و غایت آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در برخی نگرش‌ها تاریخ خصلتی دوری دارد و همواره در چرخه‌های خاص خود در حال تکرار است. هر چند چنین نگرشی در برخی مذاهب باستان وجود دارد، در ادیان آسمانی - ابراهیمی تاریخ سرانجامی داشته و دارای غایتی است که در حال حرکت بدان سو می‌باشد. در نگرش اسلامی، سرانجام تاریخ بشری تحقق وعده الهی حاکمیت حق و مدینه فاضله اسلامی است. تحقق چنین مدینه‌ای قطعی و سنتی است الهی. در چنین جامعه‌ای تمام بشریت سهیم بوده و غایت و آمال همه انسان‌هاست. بدین جهت عصر مهدوی از تعلق به قوم، قبیله و نژاد خاصی بری بوده، غایت مشترک بشری می‌باشد. انتظار ظهور منجی موعود، در واقع، انتظار تحقق غایت بشری است که به تدبیر الهی بر جهان حاکم خواهد شد.

ب) بعد جهانی مهدویت اسلامی: ادیان خصلتی جهانی دارند. به دلیل وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق برمی‌گردد، پیام الهی برای تمام انسان‌هاست و تنوع ادیان آسمانی نه به دلیل تنوع در محتوا و پیام، بلکه در ویژگی‌های عصری آنهاست. پیام الهی واحد است «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» و در نتیجه، مخاطب آن نیز





تمام انسان‌نهایند؛ از این رو، مهدویت اسلامی نیز هرگز به سرزمین یا قوم و نژاد خاصی تعلق ندارد و تدبیر الهی برای تمامی انسان‌هاست و از این رو، گستره‌ای جهانی دارد. اسلام بر اعتقاد مشترک تأکید دارد و هرگونه مرز درون جهان اسلام را نمی‌پذیرد. مرز اسلام دارالکفر می‌باشد. هر چند در طول تاریخ اسلام به دلیل سنت الهی استدرج و فرصت یافتن کافران در این جهان و در نتیجه تقابل دارالاسلام و دارالکفر عملاً وجود داشته است، در مدینه فاضله مهدوی به دلیل پیروزی حق بر باطل چنین مرزی هم از بین خواهد رفت.

مهدویت اسلامی تحقق بخش فطرت بشری نیز می‌باشد. انسان فطرتاً هویتی الهی دارد و بدین جهت اشتراک بشریت در هویت الهی مستلزم تحقق جامعه‌ای جهانی خواهد بود.

ج) صبغة الهی - دینی دولت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف: انسان مدرن با غالب ساختن خرد ابزاری خویش عرصه جامعه و سیاست را جولانگاه خواسته‌ها و خواهش‌های خویش قرار داد. و حکم به جدایی عرصه دین و سیاست نموده است. ثمره چنین تفکیکی، بحران معنا در عصر مدرن بود که به دلیل تعارض و تضاد آن با ساختار وجودی انسان به وجود آمده بود. عصر مدرن با تفکیک این دو عرصه از یکدیگر؛ زمینه تضاد درونی را در انسان‌ها دامن می‌زد. از یک سو، نفی دین موجب نقصان هویت وجودی انسان عصر جدید می‌گردد و از سوی دیگر، حکم به تفکیک دین و سیاست - به رغم پذیرش دین در عرصه خصوصی - موجب تضاد درونی هویت انسان مدرن بود. اما برخلاف مکاتب عصر مدرن، حیات فردی اجتماعی انسان‌ها از منظر اسلام درهم تنیده است و خداوند با زمینه‌سازی سعادت نهایی انسان‌ها و از باب لطف خویش دستورالعملی الهی برای زندگی فردی - اجتماعی عرضه کرده است. شکست مکاتب مدرن و سخن از عصر پساسکولار همگی از ناکارآمدی نگرش سکولاریستی و تفکیک دین و سیاست حکایت دارد.

در جامعه مهدوی نیز امام معصوم «علیه السلام» لطفی الهی است که با هدایت خویش و اجرای احکام الهی در عرصه فردی و اجتماعی، جامعه را به سوی سعادت رهنمون می‌شود؛ از این رو، ویژگی جامعه اسلامی عصر مهدوی برخلاف نگرش عصر جدید تأکید بر فضیلت و سعادت می‌باشد. در حالی که عصر جدید صرفاً بر آزادی

انسان مبتنی است و دغدغه فضیلت و سعادت بشر را ندارد.

د) تکامل فکری بشری و رشد آگاهی انسان‌ها: به رغم وجود انحرافات فکری در ادوار مختلف تاریخی، انسان‌ها در طول تاریخ شناخت تکامل یافته‌تری از جهان اطراف خویش داشته‌اند و سیر تفکر بشری همواره در سمت و سوی تسخیر عرصه‌های ناشناخته جدیدی حرکت کرده است. عصر ما نیز هر چند دچار آفات و انحرافات فکری است، در مجموع، فرصت شناخت بیشتری از جهان را نسبت به گذشته فراهم کرده است. رشد و پیشرفت علوم با کشف عرصه‌های جدید دانش در بسیاری موارد مؤید آموزه‌های اعتقادی - دینی است و انسان‌ها از طریق سیر آفاقی، عرصه‌های جدیدتری از عظمت خلقت الهی را شاهدند.

از آنجایی که ویژگی‌های جهانی‌شدن اسلامی تفاوت‌های بسیاری با جهانی‌سازی غربی دارد و نیز عمر جهانی‌سازی غربی به حدود دو دهه بیشتر نمی‌رسد، در حالی که جهانی‌سازی اسلامی همزاد اسلام بوده و هست، نمی‌توان جهانی‌شدن اسلامی و غربی را یکی دانست و تنها چیزی که بین این دو مشهود است، فقط تشابه لفظی و تغایر هویتی است.

ویژگی‌های نظام جهانی اسلام با مختصات جهانی‌شدن اسلامی، با هیچ نظام دیگر قابل مقایسه نیست. در این نظام، جهانی بر پایه‌ی معنویت، عقلانیت، انسانیت، عدالت، امنیت و ... شکل می‌گیرد (صافات/ ۳۴؛ بقره/ ۱۶۳؛ نحل/؛ نهج البلاغه، خطبه ۱ و ۳)؛ لذا وجه تمایز حکومت جهانی اسلامی در مبانی فکری آن می‌باشد؛ چرا که مبانی فکری و فلسفی تمدن و فرهنگ اسلامی، رهاورد وحی الهی، بعثت انبیا و امامت اولیاست که عقل و فطرت اصیل انسانی بر آن مهر تأیید می‌زند. این مبانی، ارکان تمدن اسلامی در چهارده قرن گذشته را ساخته و تداوم آن، نوید جهانی‌شدن تمدن اسلامی است، در حالی که در جهانی‌سازی غربی، هم گسترش لیبرال دموکراسی مطرح است و هم جریان پست مدرن که هنوز سیطره‌ای نیافته است. اما در حال حاضر، این لیبرال دموکراسی غرب و سرمایه‌داری غربی است که جهانی‌سازی را در سیطره خود قرار داده و به لحاظ فکری عقاید خود را ترویج می‌دهد و سرمایه‌داران و شرکت‌های چند ملیتی غربی هستند که در حال بلعیدن جهان‌اند، یعنی هر چند نام درهای باز اقتصادی را



مطرح می‌کنند، عملاً این شرکت‌های قوی هستند که می‌توانند رقبای ضعیف خود را حذف کنند.

حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

برخی از صاحب‌نظران معتقدند با توجه به تفاوت‌های متعددی که بین انسان‌ها و جوامع انسانی وجود دارد، امکان تشکیل یک جامعه جهانی ممکن نیست. اما ادیان الهی بدون توجه به تفاوت‌های جغرافیایی، قومی، منطقه‌ای و نژادی و حتی بدون جدا شدن هویت‌های مکانی و قومی، بر اساس یک عامل مشترک به نام فطرت می‌توانند بر محور توحید با یکدیگر متحد شده و جامعه جهانی توحیدی تشکیل دهند. این جامعه آرمانی و مدینه فاضله توحیدی از جمله اهداف تمام پیامبران و حتی مصلحان حقیقی و راستین بوده است. گرچه به علت فراهم نشدن شرایط، چنین جامعه‌ای محقق نشده، پیروان تمامی ادیان معتقدند این امر بزرگ توسط یک مرد بزرگ و الهی در آینده تاریخ انجام خواهد شد و بشریت را از نابسامانی و ظلم و بی‌عدالتی نجات خواهد داد.

۲۲۱

اعتقاد به ظهور منجی بزرگ در پایان تاریخ تنها منحصر به اسلام نیست. یهود هم به این ظهور ایمان دارد. مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام باز می‌گردد. هندوان معتقد به بازگشت ویشنو، مسیحیان معتقدند به زندگی دوباره اوشیدر، بوداییان در انتظار مجدد بودا، اسپانیایی‌ها منتظر پادشاهشان رودزیک و مغول‌ها در انتظار بازگشت چنگیز می‌باشند. مصریان و چینی‌ها نیز بر چنین عقیده‌ای بوده‌اند.^۱ از آنجا که خداوند هیچ پیامی را عبث مطرح نکرده و هیچ نیاز و خواسته درونی را در بشر در طول تاریخ بی‌پاسخ نگذاشته است، بدون شک، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخی به خواسته و ندای درونی انسان‌ها و پیام الهی خداوند در ادیان مختلف است. آیاتی در قرآن هست که متذکر وجود مژده تشکیل حکومت صالحان در سراسر جهان (در تعالیم انبیا) می‌باشد. که از آن جمله می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲ «ما

۱. ثامره‌اشم، العمیدی، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر در اندیشه‌های اسلامی، ص ۱۶.

۲. انبیاء/۱۰۵.

در کتاب زبور پس از ذکر، چنین نوشتیم که در آینده، صالحان و پاکان زمین را ارث خواهند برد».

﴿وَوُتِّبَتْ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعْنَا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱؛ «می‌خواهیم بر مستضعفان جهان منت گذاریم و آنان را امام و وارث زمین گردانیم».

این آیه گرچه مربوط به داستان حضرت موسی عليه السلام و فرعون است، چنین به نظر می‌رسد که مفهومی عام داشته باشد. از طرفی دیگر، اراده خداوند کاملاً در آن زمان تحقق نیافته است. از آنجا که وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است، روزی می‌رسد که خداوند حاکمیت خویش را به دست افراد صالح با امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد کرد.

پیامبران در طول تاریخ برای اشاعه مکتب خود مجاهدت‌ها و کوشش‌ها کرده‌اند، ولی هرگز نتوانسته‌اند مکتب خود را در سراسر جهان پیاده کنند و در هر عصر، گروه‌های بی‌شماری به مخالفت با پیامبران برخاسته‌اند و سد راه آنان بوده‌اند، ولی قرآن مبارزه اهل باطل را با مکتب حق، یک مبارزه موقت تلقی می‌کند و معتقد است که سنگرهای باطل سرانجام فرو ریخته و برنامه‌های پیامبران در جهان گسترش خواهد یافت.^۲

قرآن از تعلق مشیت الهی بر پیروزی پیامبران در آینده سخن می‌راند؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۳؛ «اراده و مشیت ما به پیروزی پیامبران تعلق گرفته است، آنان کمک‌شدگان هستند و سپاه ما پیروز است».

آیات قرآن نه تنها نظام تکوین را نظام خیر و غلبه بر شر می‌داند، بلکه سرانجام نظام اجتماعی انسان را نظامی استوار می‌داند که در آن، نظام توحید بر نظام شرک و طاغوت غلبه کرده و پیروزی از آن صالحان و راست‌گویان خواهد بود. از این جهت

۱. قصص / ۵.

۲. جعفر سبحانی، دورنمایی از زندگی پیشوایان اسلام، ص ۱۳۲.

۳. صافات / ۱۷۱-۱۷۳.





می‌فرماید: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾^۱؛ «ما حق را بر باطل می‌زنیم و آن را نابود می‌سازیم. ناگهان آن پوچ و تباه است».

از جمله دلایل دیگری که می‌توان بر عمومیت اسلام برای تمام جهان ذکر کرد، شاهدی از تاریخ زندگی پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ است. ایشان پس از صلح حدیبیه و تثبیت اسلام در شبه جزیره عربستان، تصمیم می‌گیرند به سران کشورهای مختلف، از جمله خسرو پرویز پادشاه ایران و قیصر روم - دو قدرتی که در حقیقت جهان را بین خود تقسیم کرده بودند - نامه بنویسند و آنها را به اسلام دعوت کنند و با این اقدام در حقیقت پیامبر ﷺ جهانی بودن دین خود را اعلام می‌کنند.

در زمینه حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف احادیث متواتری از معصومان «علیهم السلام» نقل شده است که به اقتضای بحث از دو دسته آنها نمونه‌ای نقل می‌کنیم: دسته اول احادیثی هستند همچون حدیث جابر بن عبدالله که پیامبر ﷺ جانشینان بلافصل خود را با نام معرفی می‌کنند. همچنین می‌توان به احادیث دیگری مانند حدیث زیر اشاره کرد.

«قال رسول الله: ان خلفائي و اوصيائي و حجج الله على الخلق بعدى اثني عشر اولهم اخی و آخرهم ولدی ...»^۲؛ «رسول خدا فرمودند: خلفا و جانشینان من و حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند. اول آنان برادرم و آخرشان فرزندم ... است».

دسته دوم احادیثی هستند که نویدهای قرآنی را درباره جهانی شدن آیین اسلام بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می‌دهد. آنجا که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«یبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله عزوجل به دینه علی الدین کله و لو کره المشركون»^۳؛ «قدرت و تسلط او شرق و غرب را فرا می‌گیرد و خدا به وسیله او دین خود را بر تمام ادیان پیروز می‌گرداند، هر چند مشرکان دوست نداشته باشند».

۱. انبیاء / ۱۸ .

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ۸۹ / ۴۱ .

۳. لطف الله، صافی، منتخب الاثر، ص ۱۳۸۳ .

آیات و روایات اسلامی، جهانی شدن حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مورد تأیید قرار می‌دهند. در تعالیم دینی ما وعده به جهانی‌سازی در آینده تاریخ است. و این، سخن گزافه‌ای نیست، بلکه یک واقعیت حتمی تاریخ می‌باشد که توسط خالق و پیامبر ﷺ و جانشینان او بیان شده است و این وعده‌ای تخلف ناپذیر است. این حکومت تحقق همان امت واحد اسلامی است. در این حکومت است که بشر همه تضادها و جنگ‌ها را کنار می‌گذارد و در سایه همدلی و یکرنگی در صلح و صفا زندگی می‌کند و نیز در این حکومت است که استثمار و استعمار انسان از انسان وجود نخواهد داشت.

سعید بن جبیر در ضمن روایتی از ابن عباس به جهانی بودن حکومت حضرت اشاره نموده، از قول پیامبر ﷺ چنین می‌گوید:

«پیامبر ﷺ فرمود: ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی... و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب»^۱؛ «به درستی که خلفا (جانشینان) و اوصیای من حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده تن می‌باشند، نخستین آن‌ها علی و آخرینشان فرزندم مهدی است. روح الله، عیسی بن مریم، از آسمان فرود آید و پشت سر مهدی نماز می‌خواند. سپس او زمین را به خداوند متعال روشن می‌سازد و سلطنت او (در تمام کره زمین) در مشرق و مغرب گسترش پیدا می‌کند».

از این قبیل روایات، بسیار وجود دارد که تمامی امامان معصوم (علیهم السلام)، به نوعی به جهانی بودن حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره نموده و در بیانات خود آن را ابراز داشته‌اند.

در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مرزهای جغرافیایی به رسمیت شناخته نمی‌شود. همه عوامل جدایی انسان‌ها و جوامع بشری از میان برداشته می‌شود. به دلیل حاکمیت و پیروزی صالحان بر سراسر جهان دیگر، دارالکفری وجود نخواهد داشت. ارزش‌های قومی و نژادی از بین خواهد رفت و ارزش‌های مادی با حاکمیت ارزش‌های معنوی و جهانی محو خواهد شد. در جامعه جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه چیز رنگ خدایی دارد؛ دنیا و آخرت انسان از هم جدا

۱. قندوزی، ینابیع المودة، ص ۴۴۷.





نیست؛ حکومت و سیاست از دین نشئت می‌گیرد و امامت و رهبری از آن کسی است که تمام فضائل انسانی و الهی را در خود الگوی مجسم دارد. او اسوهٔ حسنه‌ای است که تمام تلاش خود را برای آزادی و سعادت انسان به کار می‌برد، اما نه از نوع مکاتب لیبرالیستی و اومانستی عصر حاضر که تنها بر جنبه‌های آزادی‌های فردی و سعادت مادی تکیه کرده‌اند. امروزه در غرب سخن از عصر پسااسکولاریستی است که دلیلی بر به بن‌بست رسیدن و ناکارآمدی مکاتب بشری در هدایت جامعهٔ انسانی است.

انسان متمدن امروز سخن از عصر شکوفایی و رشد علمی می‌زند. این انسان گرچه در این مسیر به شکوفایی‌های خوبی رسیده است، اما به موازات گسترش افق علمی بشر مجهولات او افزایش یافته است. از طرفی دیگر، پیشرفت‌های علمی به جای اینکه آسایش نوع بشر را به همراه داشته باشد، بالای جان انسان شده و باعث استثمار انسان از انسان گشته است.

در چنین شرایطی که مکاتب مادی در هدایت و سعادت بشر به آخر خط رسیده‌اند و اقرار به عجز می‌نمایند و از طرفی دیگر، افزایش ظلم و بی‌عدالتی در سراسر جهان در همهٔ زمینه‌ها به حدّ اعلای خود رسیده است، زمینه از هر نظر برای آمدن یک منجی الهی فراهم شده است تا جامعهٔ بشری را از گرداب مکاتب عادی و از اسارت منادیان جبار و دروغین حقوق بشر عصر حاضر رهایی بخشد. مگر نه این است که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ما زمانی که ظهور کند، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان‌گونه که پر از ظلم و جور بود: «یملأ الارض عدلاً کما ملئت جوراً...».

نتیجه

با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف پندار عده‌ای، جهانی‌شدن همزاد انسان بوده و ادیان الهی هم به دنبال پیاده کردن حکومت الهی بوده‌اند و علت اصلی عدم تحقق آن فراهم نشدن شرایط آن بوده است. جهان‌گیران و فاتحان جهان هم به دنبال استقرار یک حکومت جهانی در راستای اهداف مادی خود بوده‌اند. اما جهانی‌شدنی که امروزه از طرف منادیان غربی و برخی از طرف‌داران اتوپیایی که آن‌ها در تلاش تحقق آن هستند، تفاوت‌های ذاتی و بنیادین با مهدویت

اسلامی دارد. در جهانی شدن اسلامی مهدویت، علم هم به خدمت گرفته می شود، ولی نه در جهت غارت و چپاول و تباهی جامعه جهانی، بلکه برای تعالی و رفاه جامعه؛ به عبارت دیگر، جهانی شدن را اگر به منزله ظرفی در نظر بگیریم، ارزش این ظرف به محتوای آن بستگی دارد؛ اگر محتوایی از فرهنگ سکولاریستی و اومانیستی غرب داشته باشد، محتوای آن با مظهر دینی در این جهانی شدن فرق می کند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. رونالد، رابرتسون، جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران، ثالث، ۱۳۸۱.
۲. دورانت، ویل، تاریخ فلسفه، ترجمه احمد آرام، تهران، اقبال، ۱۳۳۷.
۳. سبحانی، جعفر، دورنمایی از زندگی پیشوایان اسلام، بی م، بی نا.
۴. صافی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، صدر، ۱۳۷۲.
۵. فوکویاما، فرانسیس، فرهنگ در عصر جهانی شدن، به کوشش محمد توحیدفام، ج اول، تهران، ۱۳۸۲.
۶. قرآن کریم.
۷. مالکوم، وارتر، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار.
۹. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ: تهران، صدر، ۱۳۵۹.
۱۰. هاشم العمیدی، سیدنامر، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمدباقر محبوب القلوب، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰.

